



محمد ضیا، ضیا

بد نام؟! ساختن واژه ها

نوشته م، ضیا (استرالیا)

آفات و بلیاتی را که ناخلفان بیشتر از سه دهه بالای خاک صبور و بلا کشیده ما بوجود آوردند، نه تنها بخش های مادی و محسوس آنرا تباه کردند بلکه مفاهیم پاک و معانی رقیق و سچة کلامی آنرا که در نزد گویشگران آن از ارزشهای پذیرفته شده انسانی برخوردار بود و است، خدشه دار ساختند (در آینده در این مورد بحث بیشتر خواهیم داشت).

اینک صحبت ما روی کلمه های ناب و ذیقیمت (مشوره، مصالحه و وحدت) است، که اندکی در این مورد مکث میکنیم:

اگر به معانی واژه های (مشوره، مصالحه و وحدت) دقت بعمل آید، شیرة معانی این کلمه ها دوستی، محبت، یکدلی و هم نظری را میرسانند و به خوبی معلوم میشود؛ زمانیکه هم نظری و هم فکری میان دو شخص یا دو گروه وجود نداشته باشد به مشوره پرداخته میشود و هرگاه میان دو شخص یا دو گروه حالت جنگ بوجود آمده باشد در آنصورت به صلح نیاز پیدا میشود و اگر، میان دو شخص یا دو گروه نفاق، افتراق و از هم پاشیدگی بمیان آمده باشد، به وحدت و یکپارچه گی ضرورت می افتد، تا میان دو شخص یا دو گروه یا دو جماعت محبت و در کنار هم زیستن و عدالت حاکم گردد و هرکدام به حق خود برسند.

طوریکه متذکر شدیم، تضاد های فکری، جنگ و افتراقات زمانی بوجود می آید که خواستها، اندیشه ها و افکار متفاوت و گاهی متضاد در میان باشد. بیائید به این مقوله متوجه شویم که گفته اند: " زمانی پای جنگ در صحنه می آید، که زبان عقل و منطق بسته شود." هرگاه صورت تطبیق این مقوله را در مصالح علیای کشور در نظر بگیریم، دیده میشود که از دیر زمان و بخصوص در جریان تحولات نامیمون چند دهة اخیر، عده ای از رهبران و قائدان رژیمها و احزاب سیاسی و گروه ها و نزدیکان مزدورتر از آنها در افغانستان با وجود ادعاها و حتی حق به جانب بودن

ادعاهای با عقل بودن و با منطق بودن شان، معانی و مفاهیم حقیقی (مشوره، صلح و وحدت) را بی شرمانه زیر پا گذاشته اند و در بدل بهای مزدوری به اجانب و دسترسی به قدرت، شهرت، مکننت؛ به فروش وطن، کشته شدن هزاران هموطن، برپادی و تباهی کشور دست زده اند و به قول معروف که همیشه مرغ شان یک لنگ داشته و همیشه داعی حق و جانب حق خود را پنداشته اند. باید گفت؛ در نزد این افراد معانی و مفاهیم "مشوره، صلح و وحدت" همان چیزی تلقی شده که به خواست خود شان و به نفع خود شان و به نظر خود شان هماهنگی داشته باشد.

چندی قبل، در محفلی که بمناسبت تجلیل از میلاد حضرت رسول کریم (ص) با شرکت افغانهای مقیم سیدنی در مرکز اسلامی نبی اکرم (ص) برگزار شده بود آقای عمر وردک یکتن از هموطنان آزاده ما در قسمتی از صحبت هایش گفت: وحدت به این معنی نیست که اندیشه یا خواست یک جانب بالای دیگران تحمیل شود ...

با توجه به این نظر خردمندان میتوان اذعان نمود؛ پس از آنکه آتش نفاق بوسیله خدانشناسان کمونیست و مدعیان دروغین اسلام (نه مسلمانان واقعی) کشور ما را به خاک و خون کشانیدند، اسلام و هدایات اسلامی را کنار گذاشتند و زیر چتر اسلام و به بهانه اسلام؛ از یک اسلام، چند اسلام و از یک جهاد، چند جهاد ساختند. اگر چنین نبود شما خواننده گرامی تصور نمائید که احزاب سیاسی افغانستان زیر چتر اسلام صرف نظر از احزاب شیعه مذهب و یا سنی مذهب مگر نمود باالله کتاب هدایت شان یعنی قرآنکریم از هم فرق دارد؟ اگر سلیقه ها را نزدشان محترم می انگارند، آیا سلیقه های جهادی شان بالاتر از هدایت قرآن است؟ ... پس واضح است که این دسته ها و گروه ها از شریفترین احساسات دینی، قومی، زبانی و منطقی و قشری ملت مظلوم افغانستان سوء استفاده نموده اند و مینمایند و در فرجام مجموعه های پاک اندیش، ساده دل و کم سواد و بی سواد را به دنبال خود میکشاند و به تجارت خود ادامه میدهند.

همچنان اگر به کلمه (وحدت) و صورت کاربرد آن توجه شود به وضاحت دیده میشود که احزاب از این کلمه یا واژه پاک چگونه استفاده ناروا نموده اند. چنانکه یکتن از هموطنان ما ضمن صحبت در جمع دوستان گفته بود: "اگر کلمه وحدت، جان میداشت و مثل ما آدمها زبان میداشت، با فریاد و فغان میگفت؛ حزب هایی که زیر نام وحدت خود را جازده اند، دروغ میگویند، این حزب ها وحدت را تکه تکه و پارچه پارچه ساخته اند. اگر واقعاً آنها وحدت می خواهند، چرا خود همین احزاب با هم به "وحدت" نمی رسند و وحدت نمیکند؟ دین ما؛ یک دین، مذهب ما؛ یک مذهب، قوم ما؛ یک قوم، زبان ما؛ یک زبان، وطن ما؛ یک وطن. پس در میان مردم هیچ گپ و هیچ اختلاف نیست. هر اختلافی که وجود دارد میان احزاب و رهبران است که مردم را آله دست ساخته اند تا قدرت و شهرت خود شان را در دست داشته باشند.

لذا به این نتیجه میرسیم که مثنی از جباران و ظالمان نه به اوامر الهی واقعی میگذارند و نه به بیچارگی و دربدری و ریزش خون هزاران هموطن شان و نه به برپادی و تباهی افغانستان. بلکه زیر نام اسلام، زیر نام آزادی و استقلال زیر نام رهایی مردم از بدبختی و فلاکت و هرگونه نامهای مقدس و پاک دیگر خواسته اند به بقای قدرت و سیطره شرم آورشان ادامه دهند.

راه انسانی، اسلامی و افغانی اینست که اگر پیش قراولان راه اسلام، آزادی، رفاه، ختم جنگ و ختم برادرکشی، به معنای واقعی کلمه های (مشوره، صلح و وحدت) باور و اعتقاد داشته باشند و

در عملی نمودن از هرگونه منافع شخصی و گروهی بگذرند، آنها میتوانند با عقل سلیم و مطابق فرمان خدا (ج) و قرآن او، و ارشاد پیامبر گرامی اسلام (ص) دور هم جمع شوند، باندای یک دین، یک ملت و یک وطن به زخمهای ناسورخاک و مردم ما مرهم بگذارند. در غیر آن، هر کدام از این مدعیان به حد کافی لذت مقام، مکنت و قدرت را چشیده اند، اگر انکی حیا داشته باشند، بس کنند و بگذارند که مردم مظلوم در جستجوی قائد یا رهبر مسلمان، متدین، وطن دوست و شایسته گردند. تا نه تنها مردم ما در افغانستان، بلکه مهاجرین به غربت نشسته در سر زمینهای دور افتاده از شر نفاق افگنی آنها خلاصی یابند و در فضای برادری و اخوت در کنار هم قرار گیرند.

نظر شما چیست؟